



سرمقاله



اره را تیز کنید

بشکه نفت خام» است. براساس آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی ایران، که با تکیه بر آمارهای استخراج شده توسط بانک جهانی تنظیم شده‌اند، عدد بهره‌وری انرژی در ایران در سال ۲۰۰۸ برابر ۲۳۸ بوده است، یعنی به ازای مصرف انرژی معادل یک بشکه نفت خام در ایران، ۲۳۸ دلار تولید ناخالص ملی داشته‌ایم. برای درک وضعیت ایران در این زمینه لازم است بدانیم که متوسط جهانی این عدد در همان سال، ۷۳۶ دلار و رقم مربوط به ترکیه ۹۷۱ دلار بوده است و اتحادیه‌ی اروپا نیز با عدد ۱۴۵۲ در رأس این رده‌بندی قرار داشته است. جای بسی تأمل است که در رده‌بندی مذکور، ایران با دارا بودن کمترین عدد بهره‌وری انرژی، بیشترین ناکارآمدی در این حوزه را به خود تخصیص داده است.

با وجود این همه هشدارهای جدی پیرامون پیامدهای منفی اتلاف منابع حیاتی کشور، متأسفانه کمتر شاهد تغییر رفتار افراد در این ارتباط بوده‌ایم. باید به این نکته توجه داشت که تنها با ارایه‌ی سخنرانی و برگزاری کنفرانس و همایش، نمی‌توان گام تأثیرگذاری در تغییر شرایط فعلی برداشت و باید با پرهیز از رفتارهای شعارگونه، به فکر اقدامات جدی در این خصوص باشیم. هنوز هم وقتی قطعه‌ی پلاستیکی سر شیر رادیاتور شوماز که قیمتی در حد چندصد تومان دارد خراب می‌شود، اکثریت قریب به اتفاق افراد به جای پرداخت این هزینه‌ی اندک و تعویض قطعه‌ی معیوب ترجیح می‌دهند، دمای محیط را به جای بازکردن و بستن شیر ورودی رادیاتور شوماز، از

«مصرف برق ایران سه برابر میانگین جهانی است.»

«ایران با ۱ درصد جمعیت جهان، ۹ درصد مصرف کل سوخت دنیا را به خود اختصاص داده است.»

«متوسط مصرف انرژی به ازای هر مترمربع ساختمان در ایران ۲/۶ برابر متوسط مصرف در کشورهای صنعتی است که در بعضی از شهرهای کشورمان، این رقم به حدود ۴ برابر می‌رسد.»

.....

این‌ها و ده‌ها جمله‌ی مشابه، عباراتی هستند که همه‌ی ما ایرانی‌ها طی سال‌های گذشته ده‌ها بار و شاید صدها بار خوانده‌ایم و شنیده‌ایم و حداکثر عکس‌العملی که نشان داده‌ایم گفتن یک یا چند «آخ» پشت سرهم بوده است. احتمالاً تعداد این‌ها هم متناسب بوده با سطح سواد ما و اطلاعات جسته و گریخته‌ای که بعضاً در مورد بحران جهانی انرژی، آب و غذا داریم. اما تمامی این جملات را می‌توان در یک عبارت خلاصه کرد و آن این‌که:

«بهره‌وری انرژی در ایران نسبت به متوسط جهانی آن بسیار کمتر است.»

بهره‌وری انرژی عبارت است از میزان تولید کالا و خدمات به ازای مصرف هر واحد انرژی، که این شاخص اقتصادی به صورت کمی، از تقسیم میزان تولید ناخالص ملی کشور به میزان مصرف انرژی آن حاصل می‌گردد. واحدهای متعددی برای این شاخص وجود دارد که یکی از پرکاربردترین آنها «دلار بر انرژی معادل یک

هفت عادت مردمان مؤثر به روایت استفان کاوی

عادت اول: عامل باشید.

عادت دوم: ذهناً از پایان آغاز کنید.

عادت سوم: نخست امور نخست را قرار دهید.

عادت چهارم: به شیوه‌ی برنده - برنده بیانید.

عادت پنجم: نخست گوش فرا دهید.

عادت ششم: هم افزایی یا انرژی گروهی ایجاد کنید.

عادت هفتم: اره را تیز کنید. (بازسازی خویشتن)

این بار روی سخن با همکاران و دست‌اندرکاران صنف اتوماسیون صنعتی است که باید در فرصت پدید آمده، از طریق تقویت بنیه‌ی علمی، فنی و مالی سازمان خود، آمادگی لازم را برای حضور در فضای جدید، کسب نمایند و به قول استفان کاوی نویسنده‌ی کتاب هفت عادت مردمان مؤثر «اره‌ی خود را تیز کنند». علاوه بر اقدامات انفرادی که هر یک از شرکت‌ها می‌توانند براساس راهبردهای کسب و کار خود انجام دهند، یکی از راهکارهایی که در این شرایط می‌تواند بسیار مفید واقع شود شرکت در فعالیت‌های جمعی به منظور اطلاع‌رسانی و ایجاد آگاهی در بین تمامی اقشار جامعه اعم از مدیران صنایع خصوصی و دولتی و مردم عادی، پیرامون نقش اتوماسیون در کاهش اتلاف منابع است. این کار می‌تواند براساس پیشنهادات و دیدگاه‌های متخصصان امر و مدیریت انجمن اتوماسیون از طریق برگزاری جلسات توجیهی برای تصمیم‌سازان دولتی و مدیران صنایع و معادن و همچنین بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی صورت گیرد.

امید است که از این پس با یک برنامه‌ریزی هوشمندانه و مدبرانه نه تنها شاهد کسادی و رکود در کسب و کار و تعدیل نیروهای متخصص از سوی شرکت‌های اتوماسیونی نباشیم بلکه روز به روز بر تعداد پروژه‌های اتوماسیونی و در نتیجه تقاضای جذب نیروهای متخصص افزوده شود.

سردبیر

طریق باز و بسته کردن درها و پنجره‌ها تنظیم کنند. و باز جای تأسف است که نمونه‌ی چنین مواردی بیش از منازل و ساختمان‌های شخصی، در ادارات و سازمان‌های دولتی به چشم می‌خورد. در این شرایط چطور می‌توان انتظار داشت که کسی چند هزار تومان برای نصب شیر ترموستاتیک هزینه کند و یا به منظور مدیریت مصرف انرژی در ساختمان خود، هزینه‌ای را صرف بهره‌گیری از تجهیزات اتوماسیون و سامانه‌های مدیریت انرژی نماید؟ البته طبیعی هم هست که وقتی چیزی مفت یا با قیمت بسیار ناچیز از منابعی که تصور می‌شود بی‌پایانند به دست آید دغدغه‌ای هم برای حفظ و صیانت از آن وجود نخواهد داشت و نتیجه آن می‌شود که هست.

طرح هدفمندسازی یارانه‌ها با وجود همه‌ی نظرات موافق و مخالفی که پیرامون آن وجود دارد در حال اجراست و شاید هم بتوان گفت که با وجود روند کنونی در رشد مصرف و یا بهتر بگوییم رشد اتلاف منابع کشور، اجرای این طرح یک الزام است و نه یک اختیار. اما نکته این جاست که اجرای این طرح فرصتی را فراهم خواهد آورد تا اهمیت اتوماسیون صنعتی بیش از هر زمان دیگری برای کاربران بالفعل و بالقوه‌ی آن آشکار گردد. اتفاقاً شاید یکی از دلایل اصلی این که اتوماسیون صنعتی در ایران توفیق در حد انتظاری نداشته، همین بی‌ارزشی منابع و در نتیجه هویدا نشدن مزایای اصلی اتوماسیون در زمینه‌ی افزایش بازده انرژی در بخش‌های عمده‌ای همچون صنعت، مسکن، کشاورزی، حمل و نقل و غیره باشد.

برای مثال با استفاده از یک راه‌انداز الکترونیکی موتور که از رایج‌ترین ادوات اتوماسیون در دنیای امروز است می‌توان مصرف برق موتورپمپ یک چاه کشاورزی را به یک سوم تقلیل داد. دور از انتظار نیست که در شرایط فعلی که هزینه‌ی برق مصرفی یک چاه با آب‌دهی در حد ۴ لیتر بر ثانیه با برق هر کیلووات ساعت ۲۰ ریال، حداکثر به چند ده هزار تومان در سال می‌رسد کشاورزان انگیزه‌ی چندانی برای بهبود مصرف برق چاه خود نداشته باشند، ولی پس از حذف یارانه‌ها که قیمت هر کیلووات برق طی پنج سال به رقمی معادل ۷۷۰ ریال یعنی حدود ۴۰ برابر قیمت فعلی برسد در آن صورت هزینه‌ی برق مصرفی سالانه‌ی چاه مذکور به حدود ۳ میلیون تومان خواهد رسید و آن وقت است که کاهش ۲ میلیون تومانی این رقم با استفاده از یک ابزار ساده مورد توجه همگان خواهد بود.